

چرا پرونده‌های فساد در مدیریت شهری زیاد است؟

پیروزی جناح فرصت‌طلبان



چندباری خواستم از کنار یک خبر خاص بگذرم و فعلا توجهی به آن نکنم، مخصوصا در ایسن روزهایی که اخبار مهم‌تر از آن خیلی زیاد مخایره می‌شود. منتها هرچه پشت گوش انداختم و از آن گذشتم، نشد و نبود دفعه‌ای که من در رسانه‌ها چرخ می‌برزم و اطلاع و خبری

حول ماجرای دستگیری اعضای مدیریت شهری در یکی از استان‌ها و شهرهای کشور نشنوم. همین الان صفحه گوگل را باز کنید بنویسید دستگیری اعضای شورای شهر، شهردار و کارمندان شهرداری و... الاماشاءالله خبر و اطلاعات جلوی چشمان تان ظاهر می‌شود که

چندین و چند نفر از اعضای مدیریت شهری فلان شهر و در بهمان استان را به اتهامات مختلف و تعدد دستگیر کرده‌اند یا حتی بالاتر از آن می‌خوانید که شورای شهر فلان شهر به دلیل دستگیری اعضای آن منحل شده است. القصد اینکه جمیع این اخبار و اتفاقات باعث شد تا هم

مدیریت شهری یا یک دوره‌می پرشبه

اطلاعات سپاه کربلا دستگیر شد. وی آخرین بازمانده اعضای شورای شهر ساری بوده است.»
ماجرای دستگیری مدیران شهری ساری حدود دوسال است بر سر زبان‌ها افتاده و آبان ماه امسال بود که عباس رجبی، شهردار ساری هم در همین پروسه دستگیر شد. اما بگذارید کمی به عقب‌تر برگردیم و دوباره به امروز برسیم. ۱۰ دی‌ماه گذشته بود که غلامحسین اسماعیلی، سخنگوی قوه قضائیه به بهانه دستگیری اعضای شورای شهر پا کدشت گفت: «فساد فراگیری در شورای شهر و شهرداری پا کدشت اتفاق افتاده است. تا امروز بیش از ۲۵ نفر از شورا و شهرداری در این شهرستان نه‌چندان بزرگ بازداشت شده‌اند. شوراها برخاسته از قانون اساسی و قانونی و خدمت‌رسان هستند، ولی مایه تاسف است کسانی که برای مردم و برای خدمت به مردم انتخاب شدند و امکانات شهر برای خدمت‌رسانی در اختیار آنها قرار گرفت از آن سوءاستفاده کردند. فقط امسال تا امروز جای گلایه دارد که حدود ۲۰ شهردار، ۵۰ عضو شورای شهر و ۱۰۰ کارمند در تعدادی از استان‌ها و شهرستان‌ها تحت تعقیب قرار گرفتند، بازداشت شدند و برخی محکوم شدند. این اعداد قطعی نیست و حدودی است.

در پا کدشت ۲۵ نفر، در اراک ۱۸ نفر، در گچساران ۲۰ نفر، در چهارباغ که بخش کوچکی است ۱۵ نفر، در بوشهر هشت نفر، همچنین از افراد شورای شهر لیست بلندبالایی در بازداشت‌ها وجود دارد.» پس و پیش از اعلام چنین آماری از سوی سخنگوی قوه قضائیه، آمارهای متفاوتی در رسانه‌ها منتشر شد؛ از تعداد مدیران شهری که در دوره پنجم انتخابات شوراها احضار و دستگیر شدند. بعضی از مسئولان هم البته سعی در تطهیر فضای موجود داشتند و اعلام کردند مشکل برخی افرادی که در لیست به‌عنوان بازداشت‌شده عنوان شده‌اند، با احضار به دادگاه رفع شد، برخی از این افراد در دادگاه تبرئه شدند و علت بازداشت برخی دیگر هم به دلایل مختلفی همچون مساله بدهی یا مهریه بود که ارتباطی با جایگاه شغلی آنها ندارد. البته بخشی از این دستگیری‌ها هم مربوط به تخلفات اعضاء در ادوار گذشته است و در حال حاضر دستگاه قضایی به آن رسیدگی می‌کند. البته ما سابقه قتل همسر دوم توسط یکی از شهرداران سابق تهران را هم از سر گذرانده‌ایم، ولی با وجود این و با گذر از این حواشی، اخبار مربوط به دستگیری مدیران شهری در اقصی نقاط کشور الکی نیست و درعین حال کم

هم نیست! بعد جالب‌تر از اینها ادعا‌های برخی مدیران شهری در تهران است. این نقل قول را بخوانید.
محمدجواد حق‌شناس، عضو شورای شهر تهران در جلسه اخیر پارلمان شهری در تذکری ضمن قدردانی از رویکرد اخیر مجلس شورای اسلامی در اصلاح قانون شوراها گفت: «بر لزوم تغییر در ماده ششم و تجدیدنظر در تعداد اعضای شورای شهر تهران تاکید جدی دارم. در یک اقدام غیرکارشناسی توسط مجلس نهم متاسفانه تعداد اعضای شورای شهر تهران از ۳۱ نفر به ۲۱ نفر کاهش یافت. با توجه به اینکه تهران بزرگ‌تر و پرجمعیت‌تر شد و مسائل و مشکلات آن بیشتر شد، اما این اقدام مجلس باری‌بسیار سنگین رابر دوش نمایندگان منتخب گذاشت، لذا انتظار می‌رود این تعداد استانداردسازی شود و مجلس نگاه به پارلمان‌های محل شهرهای هم‌تراز تهران از جمله استانبول، پاریس، برلین و لندن داشته باشد و نسبت جمعیت، وسعت و فراوانی برای تعداد نماینده‌ها مورد توجه قرار گیرد. پیشنهاد ۵۵ نفر نماینده گام‌آورشمندی است اما اگر دقت بیشتری شود، باید بتوانیم این تعداد را به بالای ۱۰۰ نفر برسانیم تا بخشی از مشکلات

ابتدا چند نقل قول می‌خوانیم و بعد هم کمی از اعداد و ارقامی که توانستم در این دریای اخبار مربوط به احضار و بازداشت مدیران و مسئولان شهری احصا کنم، می‌نویسم تا و خامت احوال شهرها را هم بیشتر بفهمیم و درک کنیم. از داغ‌ترین و آخرین خبری که امروز چشمم به آن خورد و مربوط به انحلال یکی دیگر از شورا‌های کشور بود، شروع می‌کنم. روز گذشته مهدی جمالی‌نژاد، معاون عمران و توسعه امور شهری و روستایی وزیر کشور با اعلام انحلال شورای اسلامی شهر ساری به‌عنوان اولین شورای شهر مرکز استانی که در دوره پنجم فعالیت شوراها منحل شده است، افزود: «وزارت کشور با جدیت بر عملکرد و فعالیت همه شورا‌های شهر و روستاهای کشور نظارت داشته و در صورت مشاهده یا اعلام تخلف بدون اغماض و چشم‌پوشی با اهتمام فراوان با آن برخورد قانونی لازم را به عمل می‌آورد. با انحلال شورای اسلامی شهر ساری، استانداران مازندران به‌عنوان قائم‌مقام شورا توسط وزارت کشور تعیین می‌شود تا شهرداری بتواند همچون گذشته به ارائه خدمات به شهروندان با جدیت بپردازد.»
چندروز پیش بود که دادگستری استان مازندران اعلام کرد: «در ادامه رسیدگی به پرونده تخلفات مالی شهرداری و شورای شهر مرکز استان، آخرین عضو شورای شهر ساری به اتهام فساد مالی با دستور قضایی توسط سازمان

حداقل ۲۵۳ نفر از مدیران شهری بازداشت یا منفصل از خدمت شده‌اند

ردیف	نام استان یا شهر	تعداد موارد بازداشت یا انفصال
۱	البرز / کرج	یک عضو شورا
۲	اصفهان	یک عضو شورا
۳	آذربایجان غربی / ارومیه	۷ نفر از مدیران شهری
۴	اردبیل / بیله سوار	۴ عضو از ۵ عضو شورای شهر
۵	آذربایجان شرقی / تبریز	رئیس شورای شهر و چند مدیر ارشد شهرداری
۶	کردستان / سقز	یک عضو شورا و ۷ نفر از مدیران شهری
۷	فارس / صدرا	۲ عضو شورای شهر
۸	بوشهر	۶ عضو از ۹ عضو شورای شهر
۹	مازندران / سلمانشهر، ساری، بابل	۱۹ عضو شورای شهر در این ۳ شهر و شهردار و برخی مدیران شهری ساری
۱۰	تهران	۳۶ عضو شورای شهر، ۱۳ شهردار و ۱۲۷ کارمند شهرداری
۱۱	خوزستان / ایذه، ویس، شهید چمران	۵ عضو شورای شهر و یک شهردار
۱۲	خراسان شمالی / بجنورد	یک عضو شورای شهر
۱۳	چهارمحال و بختیاری / گنبدمان، چلگرد	۴ عضو شورای شهر، یک شهردار و ۲ کارمند شهرداری
۱۴	کرمانشاه	یک عضو شورای شهر
۱۵	اراک	۶ نفر از مدیران شهری
۱۶	لرستان / الشتر، بروجرد	۶ عضو شورای شهر
جمع		۲۵۳ نفر از اعضای شورای شهر، شهرداران و مدیران و کارکنان شهری

همانطور که بالاتر اشاره کردیم طبق اعلام سال گذشته سخنگوی قوه قضائیه آمار بازداشت، تحت تعقیب و محکومان در شهرداری‌ها و شورا‌ها شهر در طول فقط یک‌سال را عدد قابل‌تامل ۲۰ شهردار، ۵۰ عضو شورای شهر و ۱۰۰ کارمند اعلام کرد. با این اوصاف اما در طول این یک‌سال هم اخبار متعدد و زیادی از این موضوعات منتشر شده است و اعداد شگفت‌انگیزی در دوره پنجم مدیریت شهری مورد تعقیب و احضار و بازداشت قرار گرفته‌اند که در این جدول سعی کردیم بخشی از آنها را با هم منتشر کنیم؛ چرا که تجمیع و اعلام آمار همه اینها تقریبا امکان‌پذیر نبود و از مراجع مطلع هم که جویا شدیم، کسی چنین آماري در اختیار ما قرار نداد و مجبور شدیم با جست‌وجو‌های موردی این اطلاعات را کسب کنیم.

بستر مدیریت شهری فاسد است

در ادامه هم با امیر خراسانی، جامعه‌شناس شهری در رابطه با این وضعیت نابسامان مدیریت شهری در کشور به گفت‌وگو پرداختیم و او در این رابطه به «فرهنگ‌نگان» گفت: «قانون شوراهای شهر و روستا جزء دموکراتیک‌ترین قانون‌هایی بود که در ایران اجرا شد. به لحاظ قانون و قواعد دموکراتیک جزء دموکراتیک‌ترین نهادهای کشور است. در جوامع دیگر مثلا مردم رئیس آتش‌نشانی را انتخاب می‌کنند، شورا‌هایی هستند که پلیس را انتخاب می‌کنند. هرچقدر از این شوراها فی‌نفسه داشته باشید به لحاظ شاخص دموکراسی شاخص‌های شما بالاتر می‌آید، کشور دموکراتیک‌تر اداره می‌شود. اما یک نکته جدی که وجود دارد این است که می‌توانید نهاد دموکراتیک داشته باشید، مثلا می‌توان گفت ریاست جمهوری دوره‌ای داریم ولی در همه دوره‌ها یک نفر انتخاب می‌شود، می‌توانید نهاد دموکراتیک داشته باشید ولی خیلی غیردموکراتیک عمل کنید. الان بلایی است که سر شوراها آمده است، حتی شورا‌های محلات! شورا‌های محلات هم کسانی عضو هستند که می‌خواهند زمین‌بازی کنند، بسیاری مشاور املاک هستند. در محلی که من زندگی می‌کنم فردی عضو شورا است که کبابی دارد و می‌خواست بر خیابان را داشته باشد. عضو شورا است و بر خیابان را دارد و فشار می‌آورد. نکته‌ای که وجود دارد این است که این شوراها در بستری هستند و آن بستر فاسد است. آن بستر غارت شهری است. قوانینی دارید که غارت را رسمی می‌کند، غارت را مجاز می‌کند. وقتی من مدیر شهری می‌شوم کار من تنظیم چگونگی این غارت است. در نتیجه خود من هم بخشی از آن غارت می‌شوم. این نکته مهمی است. اصل داستان که شورا‌های روستایی طرح هادی و تغییر کاربری یکی از کسب‌وکارهای اصلی شورا است یعنی می‌می‌توانم دو عضو شورا را بخرم یا دو زمین به آنها بدهم تا برای من تغییر کاربری زمین هراترری را تسهیل کنند. در نتیجه وقتی ساختار مدیریت شهری ما مبتنی بر فروش تغییر کاربری، دخل و تصرف در اسناد بالادستی، فروش تراکم و... است، به آدم‌ها ربطی ندارد. آدم درست‌سعی می‌کند درست رفتار کند ولی وقتی این میزان مدیر شهری دارید بین اینها چهار نفر در این سیستم شروع به غارت می‌کنند. طرف باید خیلی جلوی خود را بگیرد چون این کار راحت است. از شورای محل گرفته تا شورای شهر خیلی راحت می‌توانید اعمال نفوذ کنید، در غارت شریک باشید چون ماشینی که شما راننده هستید ماشین غارت است. به نظرم نفس شورا خیلی فوق‌العاده است.»

۳ نکته برای سامان بخشیدن به وضع موجود

از چیزهای بازارهای شهری واگذاری پروژه‌هاست. تقریبا در اکثر نهادهای شهری مناقصه‌ها سوری است. مثلا می‌گویند مناقصه را می‌خواهیم به شما بدهیم و من به می‌گویند دو نفر از همکاران خود را بیاورید و قیمت پایین‌تر بدهند و من هم دو تا از همکاران را می‌آورم و در مزایده برنده شویید. این روال در شهرداری است. یک قاعده‌ای در شهرداری است که این اتفاق می‌افتد. در نتیجه همه می‌دانند مزایده یک برنامه‌ای است که قرار است چه کسی برنده شود. اینها سازوکار غارت است. اینها سازوکاری است که فساد ایجاد می‌کند.»

است به هیچ ضابطه‌ای پایبند نیست، این را می‌فروشد و آن را می‌گیرد. می‌تواند به هرکسی بفروشد. سازمانی را سراغ دارم که زمین‌های بسیاری داشت. این سازمان زمین‌ها را فروخت و با پول آن زمین‌ها گفت می‌خواهم طرح بهسازی محیطی اجرا کنم. بهسازی محیطی وقتی در قالب پروژه می‌رود با یکی دو شرکت که پورسانت پرداخت کردند، کار می‌کنند. خودشان هم در این شرکت‌ها دخیل هستند. اینجا زمین از دست شهرداری که نهاد عمومی است درآمده و به پروژه تبدیل شده و در پروژه هم به این شکل واگذار شده است. مثلا یکی

تهران معاون شهرسازی منطقه فلان پادشاه است. او می‌تواند چهار سال معاون شهرسازی جایی باشد و تا آخر عمر خرج خود را می‌تواند در بیاورد. معاون شهرسازی است. همه چیز به او برمی‌گردد. در واقع تغییر شرح وظایف و بازسازی این ساختار اداری بسیار مهم است. این نکته جزئی است که معاون شهرسازی چه کاری انجام دهد، معاون نوسازی چه کاری انجام دهد. یکی از فاسدترین بخش‌های شهرداری املاک است. در همه شهرهای ایران بخش املاک شهرداری اینچنین است. هیچ چیزی ندارد و آن کسی که رئیس املاک

در ادبیات شهرشناسی امر غیررسمی برای طبقات پایین بود یعنی طبقات پایین آلونک می‌ساختند یا زاغه می‌ساختند که غیررسمی بودند. الان نهادهای دارید که امر رسمی را مدام غیررسمی می‌کند. ما شکلی از شهرسازی غیررسمی داریم که برای طبقات بالاست. با پول می‌خرد. این یک پدیده‌ای است که خیلی از کشور‌های جهان سوم دچار آن هستند. یک نظریه پرداز به نام روی درمورد این موضوع بسیار کار کرده است. این نکته دوم است که این نهاد‌ها برچیده شود. نکته سوم بازآرایی اداری شهر است. یک جایی همانند شهرداری

خراسانی ادامه داد: «مدل درست در دو سه نکته است. نکته اول اینکه اسناد بالادستی قابل تغییر نباشند. شورایی باشد که مدام در اسناد تجدیدنظر کند. آن شورا می‌تواند شورای عالی شهرسازی یا هر چیز دیگری باشد. تجدیدنظر در اسناد بالادستی در واحدهای پایین صورت نگیرد چون شورای شهر ساری، بابل و... یک‌باره تصمیم می‌گیرد این منطقه تجاری شود یا مسکونی شود یا تغییر کاربری شود. یک مساله هم جمع شدن بساط کمیسیون ماده ۱۰۰ است که کمیسیون ماده ۱۰۰ غیررسمی کردن اسناد رسمی است.

یک‌دست بودن شوراها مشکل‌ساز شده است

گرفت. شورا را بردارید بهتر نخواهد شد. شورا یک کمکی که الان می‌کند این است که قدرت بازدارنده دارد. اختلاف شورا‌هایی که یک‌دست نمی‌شوند این است که می‌توانند همدیگر را کنترل کنند. مشکل در جایی است که شوراها خیلی یک‌دست هستند. لیستی بودن خیلی مشکل‌ساز می‌شود چون من اگر هم لیستی را لو بدهم کل اعتبار لیست به باد می‌رود.»

پرداخت می‌کنیم. برای آنها معنی نداشت که طبق فلان قانون فلان قدر می‌گیرید، دنبال تراکم رایگان هستم و دو واحد می‌سازم و جریمه پرداخت می‌کنم. نکته درباره این است که نهاد شورا را نکوییم. این نهاد باید باشد ولی این نهاد در بد مناسباتی گیر کرده است و خیلی‌ها برای اینکه این نهاد شورا را بگیرد زحمت کشیدند. خیلی از کشنگران شهری زحمت کشیدند ولی در مناسبات فاسدی قرار

انجام نشود. شهرداری الان رهاست. بگویید ۱۰۰ میلیارد پول دارم، شهرداری می‌گوید هر چه بخواهید به شما می‌دهم؛ ۱۰ میلیارد را به من بدهید من همه کار برای شما می‌کنم. وسط میدان انقلاب می‌خواهید ساختمان بسازید هم مجوز می‌دهند. اینها کم اتفاق نیفتاده است. در بافت فرسوده کار می‌کردم یا خیلی از سرمایه‌گذاران در ارتباط بودم. آنها آنقدر با اعتماد به نفس می‌گفتند جریمه

گفتم که در زندان اوین هم بگردید یک‌سوم مجرم مالی پیدا نمی‌کنید. مگر در مجلس دهم نظارت شورای نگهبان نبود؟ آنجا هم این اتفاق را شاهد بودیم. این درجه از فساد در یک مرحله‌ای از توسعه در خیلی از کشور‌ها اتفاق می‌افتد آن هم موقعی است که سعی می‌کنند قوانین را راحت‌تر کنند تا سرمایه‌های بیرونی را جذب کنند. این مفهوم جذب سرمایه همراه خود فساد می‌آورد، اگر با مراقبت خیلی زیاد

این جامعه‌شناس شهری در پاسخ به این سوال که آیا این میزان از فساد در مدیریت شهری به دلیل عدم نظارت شورای نگهبان و... نیست؟ گفت: «یک مثال نقض جدی برای این مساله مجلس قبلی است. چقدر فساد از مجلس قبلی درآمد؟ آقای کدخدایی گفته بود یک‌سوم این افراد نمی‌توانند تایید صلاحیت شوند و یک عده هم خود دوباره در انتخابات شرکت نکردند. من یک‌بار به آقای کواکبیان